



مقایسه نیمرخ روانشناسی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی والدین کودک آزار با والدین غیر

کودک آزار

مریم عابدینی^۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه نیمرخ روانشناختی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی والدین کودک آزار با والدین غیر کودک آزار است. بدین منظور ۳۰ نفر از والدین کودک آزاری که به مرکز بهزیستی شهید نواب صفوی شهر رشت سال ۱۳۸۶ مراجعه کرده بودند و ۳۰ نفر از والدین غیر کودک آزار با استفاده از روش نمونه گیری اتفاقی (غیر احتمالی) از نمونه های در دسترس انتخاب شدند. سپس بر روی هر کدام از آنها پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی NEO-FFI و فرم مصاحبه حیطه اقتصادی - اجتماعی (تقی خانی، ۱۳۸۱) اجرا گردید.

پرسشنامه NEO-FFI بر اساس دیدگاه پنج عاملی مک کوی و کوستاو ساخته شده است. این دیدگاه در این باور است که مهمترین ابعاد شخصیت از پنج عامل به نامهای روان نژندی (N)، برونگرایی (E)، دلپذیر بودن (A)، انعطاف پذیری (O) و با وجدان بودن (C) تشکیل یافته است. نتایج بدست آمده از روش t استودنت برای (گروههای مستقل) و آزمون χ^2 (خی دو) نشان داد:

- ۱- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات روان نژندی تفاوت وجود دارد.
 - ۲- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات برون گرایی تفاوت وجود دارد.
 - ۳- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات انعطاف پذیری تفاوت وجود دارد.
 - ۴- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات دلپذیر بودن تفاوت وجود دارد.
 - ۵- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات با وجدان بودن تفاوت وجود دارد.
 - ۶- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ وضعیت اقتصادی و اجتماعی تفاوت وجود دارد.
- بدین ترتیب از شش فرضیه پژوهش سه فرضیه آن مورد تأیید قرار گرفت.



واژه گان کلیدی: نیمرخ روانشناسی (روان نژندی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلبذیر بودن، با وجدان بودن)، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، والدین کودک آزار، والدین غیر کودک آزار.

مقدمه

آزار و اذیت کودکان همواره در طول تاریخ به اشکال مختلف وجود داشته است کودکان که جزء یکی از آسیب پذیرترین اقشار اجتماعی هستند همیشه در معرض افراد گوناگون خواه خانواده یا اجتماع قرار می گرفتند. نیمه دوم قرن بیستم را عصر کودک نامیده اند. تقریباً در سراسر جهان به ویژه در کشورهایی که به توسعه اقتصادی مطلوب تری دست یافته اند بخش مهمی از منابع مادی و معنوی صرف توجه به آموزش و پرورش، حمایت روانی و جسمانی مسایل کودکان می شود. خانواده به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی و والدین اولین کسانی هستند که با رفتار و گفتار خود شالوده شخصیت کودک را پایه گذاری می نمایند. (۱)

والدینی که دارای احساس مسئولیت و مهر و محبت اند و الگوهای برابر سازی برای فرزندان فراهم می سازند، احتمالاً دارای فرزندانی خواهند بود که از شخصیت سالم تر بهره مند بوده و تمایل به خشونت نیز در آنها کمتر است. کودکی که در زندگی از عشق والدین بهره ای نداشته باشد طبیعتاً با استانداردهای آنها پیوندی نخواهد داشت و به تکامل نمی رسد. (۲)

شواهد موجود حاکی از آن است که بدرفتاری با کودک و عدم توجه به نیازهای او می تواند باعث ایجاد اختلالات روانشناسی از جمله پرخاشگری و مانعی در جهت تحول جسمی و فکری کودک خواهد شد.

طی مطالعه اخضری ۷۰٪ موارد اعمال خشونت و آزارگونه در محیط خانه، رخ داده است. بیشترین گروه سنی در معرض آزار، کودکان ۹-۵ ساله (۳۶٪) و سپس ۱۴-۱۰ ساله (۳۰٪) بوده اند. همچنین آمار نشان می دهد دختران (۶۳٪) به میزان بیشتری از پسران (۳۷٪) مورد آزار واقع شده اند. همچنین این مطالعه نشان می دهد بیشترین آزار گری و اعمال خشونت (۶۶/۵٪) از سوی مردان (پدر و شوهر مادر) رخ داده است. از نظر علل و انگیزه آزار، بیشترین آن مربوط به اختلافات خانوادگی و طلاق (۲۳٪) می باشد.



صدماتی که به دنبال کودک آزاری متوجه کودکان می شود سالانه موجب مرگ تعداد زیادی از آنان در سراسر جهان می شود . همچنین بسیاری از کودکان آزار دیده ممکن است در آینده دچار اختلالات روانی شوند ، و عده ای نیز به دلیل صدمات جسمانی حتی به معلولیت های جسمانی مبتلا شوند .

از بعد اقتصادی نیز فرایند درمان کودکان آزار دیده یا معلول همراه با هزینه ی سنگین بر پای دادگاهها و نگهداری مهاجمین در زندان ها بسیار گزاف است ، از سوی دیگر در آینده احتمال می رود چنین کودکان خود اقدام به آزار و اذیت فرزندانشان نمایند . بنابراین با انجام مطالعاتی از این دست امید می رود که به اطلاعات بیشتری ویژگی های شخصیتی والدین که مهمترین نقش را در تربیت و شکل گیری شخصیت کودک دارند دست یابیم . (۳)

مبانی نظری و پیشینه تحقیق :

هر گونه آسیب جسمی یا روانی ، سوء استفاده جنسی یا بهره کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر ۱۸ سال توسط دیگر افراد و به صورتی که غیر تصادفی نباشد ، کودک آزاری تلقی می شود (۴)

انجمن روانپزشکی آمریکا در چهارمین دفترچه راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی (۱۹۹۴) (DSM-IV) در فصلی تحت عنوان ، سایر شرایطی که ممکن است مورد توجه بالینی قرار گیرد « کودک آزاری را مشتمل بر آزار جسمی ، جنسی ، بی توجهی به کودک و آزار عاطفی می داند (۳) .

مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی ، کودک آزاری عبارتست از : آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان یا سعادت رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند . (۳)

آزارهای کودکان به ۴ دسته تقسیم می شود که عبارتند از :

۱- کودک آزاری جسمی : کاپلان و سادوک^۱ (۱۹۹۵) آزار جسمی را به هر عملی که متضمن آزار بدنی غیر تصادفی به کودک باشد ، تعریف می کند که این اغلب نتیجه تنبیه بدون دلیل و غیر قابل توجیه می باشد . (۴)

۲- کودک آزاری جنسی : هنری کمپ^۲ آزار جنسی را چنین تعریف می کند : درگیر شدن کودکان و نوجوانان وابسته و به لحاظ پرورشی نابالغ در فعالیت جنسی که معنای آن را به طور کامل درک نمی کنند و نمی توانند از آن رضایت آگاهانه داشته باشند . (۴)

^۱ -Kaplan and Sadock

^۲ - Henry camp



۳- بی توجهی یا غفلت: غفلت یکی از شایعترین انواع آزار کودکان است که در خانواده های کم درآمد مشاهده می شود جلیلی، (۱۳۷۴) غفلت را اینطور تعریف کرده است، عدم فراهم آوردن احتیاجات غذایی، پوششی، مسکن، بهداشت و مراقبت طبی و تحصیلی و سرپرستی طفل توسط والدین یا سرپرست طفل. (۴)

۴- آزار هیجانی به شکل تحقیر زبانی: عدم اجازه به کودک برای حضور در اجتماعات و ایزوله کردن وی، واگذاری مسئولیت های سنگین به کودک. (۵)

بر اساس آمار منتشر شده از سوی سازمان بهداشت جهانی یک سازمان مستقل از حقوق کودکان، سالانه بیش از ۵ میلیون کودک در جهان مورد آزار و اذیت و سوء استفاده قرار می گیرند که در ۱۴ تا ۱۷ درصد از موارد منجر به مرگ کودکان می شود. (۶)

در پژوهشی که توسط دو دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران به روی سه هزار و ۱۹ کودک زیر ۱۸ سال مراجعه کننده به ۳ درمانگاه تخصصی اورژانس کودکان تهران صورت گرفته مشخص شده ۴۸/۵٪ از کودک آزاری جسمانی توسط پدر و ۲۸/۳ در صد مربوط به مادر است. (۷)

در پژوهشی از طباطبایی (۱۳۸۰) بی سواد، تحصیلات پایین والدین، فقدان مهارت های کافی والدین، جمعیت زیاد خانواده، ازدواج های زودهنگام و بدون برنامه ریزی، اختلالات روانی یا جسمانی در والدین، انحطاط اخلاقی، اعتیاد به مواد مخدر یا الکل و تک والدی بودن خانواده، روابط محدود اجتماعی و ... از عوامل مرتبط با افزایش احتمال کودک آزاری می باشد. (۴)

در پژوهش نامداری (۱۳۷۷) افراد دارای اختلال روانی مانند اسکیزوفرنیا و افسردگی نیز ممکن است کودکان خود را بشدت مورد آزار روانی قرار داده و حتی آنها را به سمت دیوانگی سوق دهند. (۴)

محمد خانی (۱۳۷۸) در پژوهش خود، پرسشنامه سلامت عمومی کلمبرگ را بکار برد، نتایج پژوهش نشان داد والدین دانش آموزان آزار دیده با والدین دانش آموزان آزار ندیده از سلامت عمومی کمتری برخوردارند. بطور کلی پژوهشهای انجام شده نشان می دهد والدین کودک آزار معمولاً دارای عزت نفس پایین - منزوی - کم تحمل در

مقابل ناکامی یا افسردگی می باشند. (۸)



بر اساس مطالعات انجام شده توسط میلر^۱ والدین کودک آزار با کودکان خود تعامل بسیار کم، انتقادگر، اعمال کنترل، هدایت مستقیم بیشتری در مقایسه با والدین غیر کودک آزار دارند، پرخاشگری کلامی و جسمی نیز به وفور دیده می شود. (۴)

در تحقیقاتی که توسط مش^۲ و همکاران (۱۹۸۳) انجام شده نشان داد شخصیت ضد اجتماعی والدین با کودک آزاری همراه است و عزت نفس پایین به عنوان عامل یا متغیر میانجی در بدرفتاری به کودک منظور شده است. (۱۱)

در مطالعه دیگر توسط کولپ^۳ و همکاران (۱۹۸۹) تفاوت های معنی داری بین دو گرون مادران آزار دهنده و غیر آزار دهنده که به لحاظ ویژگی جمعیت شناختی جور شده بودند در نمرات مربوط به عزت نفس، قدرت ایگو و خود ارزشمند پنداری آنها دست یافتند. (۱۲)

در تحقیقی که بر روی مادران کودک آزاری که در زمان کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته بودند ویژگیهای شخصیتی آنها از طریق پرسشنامه (NEO FFI) در ۵ عامل روان‌زندگی - درونگرایی - انعطاف پذیری - دلبپذیر بودن و با وجدان بودن در مقایسه با مادران غیر کودک آزار سنجیده شد و نتایج نشان داد که مادرانی که در دوران کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته بودند کمترین نمره را در انعطاف پذیری و برون گرایی بدست آورده اند یعنی آنها بیشتر درون گرا و کمتر انعطاف پذیر بودند. (۱۳)

تحقیقات نشان می دهد که آزار در دوران کودکی می تواند خطر کودک آزار شدن را افزایش دهد. تقریباً یک سوم کسانی که مورد انواع آزارها قرار می گیرند در آینده به کودکان خود کمتر توجه می کنند. (۱۴)

تحقیقات متعدد نشان می دهد هر چه رابطه و تماس والدین با نوزادی که روزهای سخت زندگی اش را در بیمارستان سپری می کند کمتر باشد زمینه و احتمال بیشتری برای بدرفتاری ها و سوء استفاده های بعدی والدین از آنها فراهم می شود. (۱۵)

^۱ - Miler

^۲ - Mach et al

^۳ - Colpe et al



بطور کلی والدین بد رفتار معمولاً پرخاشگرتر، تکانشی تر، نابالغ تر، خود مدارتر، تنیده تر و خود انتقادگو تر از والدین خوش رفتار هستند. این والدین به احتمال بیشتری خودشان در کودکی مورد بد رفتاری قرار گرفته اند بنابراین بد رفتاری با کودک یک چرخه معیوب است. (۹)

هدف اصلی تحقیق :

هدف از پژوهش حاضر مقایسه نیمرخ روانشناختی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی والدین کودک آزار با والدین غیر کودک آزار است.

اهداف فرعی تحقیق :

۱- مقایسه صفات روان‌زندگی، برون‌گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن در دو گروه والدین آزارگر و غیر آزارگر

۲- مقایسه وضعیت اقتصادی - اجتماعی دو گروه والدین آزارگر و غیر آزارگر

فرضیه های پژوهش :

- ۱- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات روان‌زندگی تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات برون‌گرایی تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات انعطاف پذیری تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات دلپذیر بودن تفاوت وجود دارد.
- ۵- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات با وجدان بودن تفاوت وجود دارد.
- ۶- بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ وضعیت اقتصادی و اجتماعی تفاوت وجود دارد.

طرح پژوهش :

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های پس رویدادی است و به مطالعه نیمرخ روانشناختی و وضعیت اقتصادی - اجتماعی والدین آزارگر در مقایسه با والدین غیر آزار گر می پردازد.



جامعه آماری: در این مطالعه جامعه آماری مورد پژوهش کلیه والدین آزارگری که فرزندانشان را در سنین کودکی یعنی زیر ۱۸ سال به مراکز بهزیستی شهر رشت آورده اند. همچنین دامنه سنی کلیه والدین و تمامی آزمودنیها بین سنین ۵۵-۲۰ سال قرار دارند.

نمونه روش نمونه گیری: نمونه آماری پژوهش شامل ۶۰ نفر از والدین (۳۰ نفر والدین آزارگر و ۳۰ نفر والدین غیر آزارگر) می باشد. به دلیل محدودیتی که در نمونه گیری وجود داشت از روش نمونه گیری اتفاقی (غیر احتمالی) استفاده شده و پژوهشگر در عمل از نمونه های در دسترس استفاده کرده است. با توجه به اینکه گزارش دهی کودک آزاری که یک معضل و آسیب اجتماعی است، در بین خانواده های مشکل دارد بسیار ضعیف است، پژوهشگر برای جمع آوری نمونه ها به سازمان بهزیستی شهر رشت و دفتر پیشگیری از آسیب های اجتماعی در بخش مداخله در بحران این مرکز و به خصوص مرکز نواب صفوی و جمعیت دفاع از قربانیان خشونت کیس های کودک آزاری را مورد بررسی قرار داده است.

ابزار پژوهش: در این پژوهش از پرسشنامه پنج عاملی (NEO-FFI) و فرم مصاحبه حیطه اقتصادی - اجتماعی، تقی خانی (۱۳۸۱) والدین آزارگر و غیر آزارگر استفاده شده این پرسشنامه یکی از ابزار شخصیت با طیف لیکرات و شامل ۶۰ سوال پنج درجه ای و به صورت کاملاً مخالف تا کاملاً موافقم تهیه شده که پنج عامل شخصیت را مورد سنجش قرار می دهد که عبارتند از روانزدگرایی (N)، برونگرایی (E)، انعطاف پذیری (O)، دلپذیر بودن (A)، وجدان بودن (C). هر کدام از این عوامل با استفاده از ۱۲ سوال مورد سنجش قرار می گیرند و در آخر نیز ۲ سوال که یک نوع اعتباریابی محسوب می شود و همچنین فرم مصاحبه حیطه اقتصادی و اجتماعی که شامل ۱۳ سوال می باشد مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته می شود.

پایایی آزمون:

در روش بازآزمایی از روش (TEST RE TEST) کوتاهمدت، ضریب همبستگی نوبت اول و دوم که به فاصله بین ۲ تا ۳ هفته بر روی ۳۶ نفر اجرا شد. مقادیر بدست آمده برای عامل های روانزدگرایی (N)، برونگرایی (E)، انعطاف پذیری (O)، مردم آمیزی (A) و با وجدان بودن (C) به ترتیب عبارتند از ۸۴٪، ۸۲٪، ۷۸٪، ۶۵٪، ۸۶٪.



. همانطور که ملاحظه می شود ضریب همبستگی در عامل های N ، E ، C بین دو نوبت بیشتر از ضریب همبستگی دو عامل O ، A است .

در ضریب پایایی به روش همسانی درونی برای هر یک از عوامل پنج گانه از شاخص ضریب پایایی آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج بدست آمده برای عامل های N ، E ، O ، A ، C با ۱۲ سوال عبارتند از ۰/۷۹ و ۰/۷۳ و ۰/۴۲ و ۰/۵۸ و ۰/۷۷ که بعد از حذف بعضی از سوالات عامل های E ، O ، A ، C مقدار ضریب آلفا به ترتیب بر پنج عامل عبارتند از : ۰/۷۹ و ۰/۷۶ و ۰/۵۴ و ۰/۶۱ و ۰/۷۸ .

در پژوهشی که توسط مک کری و کوستا (۱۹۹۲) با فرم بلند این آزمون بر روی ۵۰۰ مرد و ۵۰۰ زن انجام دادند ثبات درونی (ضریب آلفای کرونباخ) برای پنج عامل N ، E ، O ، A ، C به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸۹ و ۰/۸۷ و ۰/۸۶ و ۰/۹۰ بدست آمد.

روایی آزمون :

برای روایی آزمون (NEO-FFI) از ضریب همبستگی پیرسون بین فرم کوتاه و فرم بلند آزمون برای ۴۰ نفر محاسبه گردید و از تحلیل اکتشافی برای روایی سازه استفاده شد . ضریب همبستگی بدست آمده برای هر یک از عوامل N ، E ، O ، A ، C به ترتیب عبارتند از ۰/۷۰ ، ۰/۷۲ ، ۰/۷۱ ، ۰/۴۱ و ۰/۷۵ ، که نشان می دهد ضریب همبستگی عامل چهارم یعنی مردم آمیزی به طور چشمگیری از دیگر عوامل پایین تر است . (۱۰)

روش آماری :

برای بررسی نیمرخ روانشناختی در دو گروه والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار (تفاوت دو میانگین) از آزمون t استیودنت (برای گروههای مستقل) استفاده شد. همچنین برای مقایسه وضعیت اقتصادی - اجتماعی والدین آزارگر و والدین غیر آزارگر با توجه به اینکه داده ها اسمی است از آزمون مجذور کای (خی دو) استفاده شد .

یافته های پژوهش :

جدول ۱- خلاصه اطلاعات توصیفی مربوط به صفات روان نژندی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن دو گروه آزارگر عادی.



خرده مقیاس	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد از میانگین
روان نژندی	آزارگر	۳۰	۲۱/۷۳۳۳	۶/۰۷۳۸۷	۱/۱۰۸۹۳
	غیر آزارگر	۳۰	۲۶/۵۰۰	۵/۱۲۴۳۲	۰/۹۳۵۵۷
برون گرایی	آزارگر	۳۰	۲۶/۸۶۶۷	۴/۶۸۱۰۹	۰/۸۵۴۶۵
	غیر آزارگر	۳۰	۲۵/۴۳۳۳	۶/۵۵۱۴۰	۱/۱۹۷۴۰
انعطاف پذیری	آزارگر	۳۰	۲۶/۱۶۶۷	۲/۸۸۹۷۴	۰/۵۲۷۵۹
	غیر آزارگر	۳۰	۲۵/۲۰۰۰	۴/۱۳۸۹۷	۰/۷۵۵۶۷
دلپذیر بودن	آزارگر	۳۰	۲۳/۶۰۰۰	۴/۱۵۷۲۵	۰/۷۵۹۰۱
	غیر آزارگر	۳۰	۲۹/۹۰۰	۵/۹۳۸۴۸	۱/۰۸۴۲۱
با وجدان بودن	آزارگر	۳۰	۳۰/۲۰۰۰	۳/۲۴۱۹۷	۰/۵۹۱۹۰
	غیر آزارگر	۳۰	۲۷/۶۶۶۷	۷/۱۱۱۵۹	۰/۷۹۸۳۹

جدول ۲- نتایج آزمون فرضیه های تحقیق

ردیف	فرضیه	سطح	رد یا قبول فرضیه	رابطه
۱	بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات روان نژندی تفاوت وجود دارد.	۰/۰۵	قبول	وجود دارد
۲	بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات برون گرایی تفاوت وجود دارد.	۰/۰۵	رد	وجود ندارد
۳	بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات انعطاف پذیری تفاوت وجود دارد.	۰/۰۵	رد	وجود ندارد
۴	بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات دلپذیر بودن تفاوت وجود دارد.	۰/۰۵	قبول	وجود دارد
۵	بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ صفات با وجدان بودن تفاوت وجود دارد.	۰/۰۵	رد	وجود ندارد
۶	بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ وضعیت اقتصادی و اجتماعی تفاوت وجود دارد	۰/۰۵	قبول	وجود دارد

جدول ۳- آزمون گلموگروف اسمیرنوف برای نرمال بودن

شاخص آماری	نمره	نمره	نمره	نمره	نمره
	دلپذیر بودن	با وجدان بودن	برون گرایی	نژندی روان	انعطاف پذیری
تعداد	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰
میانگین	۲۶/۷۵۰۰	۲۸/۹۳۳۳	۲۶/۱۵۰۰	۲۴/۱۱۶۷	۲۵/۶۸۳۳۵
انحراف معیار	۵/۹۹۳۲۹	۵/۶۲۶۴	۵/۶۹۵۱۵	۶/۰۶۷۶۷	۶/۵۷۲۴۵
آماره Z آزمون گلموگروف اسمیرنوف	۰/۷۲۴	۰/۷۸۳	۰/۷۱۰	۰/۸۳۶	۰/۸۴۶
سطح معنی داری	۰/۶۷۱	۰/۵۷۲	۰/۶۹۵	۰/۴۸۷	۰/۴۷۲



با توجه به مقدار آماره آزمون کلموگروف اسمیرنوف و سطح معنی داری به دست آمده و مقایسه این سطح معنی داری با $\alpha = 0/05$ ملاحظه می شود که تمامی داده ها دارای توزیع نرمال هستند .

جدول ۴- جدول توافقی (دو بعدی) درآمد تخمینی خانواده در دو گروه آزارگر و عادی

جمع	درآمد تخمینی خانواده			تعداد و درصد	گروه
	بالا	متوسط	پایین		
۳۰	۰	۱۶	۱۴	تعداد	آزارگر
۰/۰۱۰۰	۰/۰	۵۳/۳	۰/۰۴۴/۷	درصد سطری	
۳۰	۳	۲۴	۳	تعداد	غیر آزارگر
۰/۰۱۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۸۰	۰/۰۱۰	درصد سطری	
۶۰	۳	۴۰	۱۷	تعداد	جمع
۰/۰۱۰۰	۰/۰۵	۰/۰۶۶/۷	۰/۰۲۸/۳	درصد سطری	

جدول ۵- جدول توافقی (دو بعدی) پایه تحصیلات در دو گروه آزارگر و عادی

پایه تحصیلات مصاحبه شونده					تعداد و درصد	گروه
لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	سوم راهنمایی	بی سواد		
۰	۰	۱۰	۱۹	۱	تعداد	آزارگر
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۳۳/۳	۰/۰۶۳/۳	۰/۰۳/۳	درصد سطری	
۱۴	۱	۱۳	۱	۱	تعداد	غیر آزارگر
۰/۰۴۶/۷	۰/۰۳/۳	۰/۰۴۲/۷	۰/۰۳/۳	۰/۰۳/۳	درصد سطری	
۱۴	۱	۲۳	۲۰	۲	تعداد	جمع
۰/۰۲۳/۳	۰/۰۱/۷	۰/۰۳۸/۴	۰/۰۳۳/۳	۰/۰۳/۳	درصد سطری	

جدول ۶- جدول توافقی (دو بعدی) وضعیت شغلی در دو گروه آزارگر و عادی

وضعیت شغلی مصاحبه شونده						تعداد و درصد	گروه
جمع	کار تخصصی و حرفه ای	کارهای آزاد	مشاغل خدماتی و کاربردی	خدمات اجتماعی	بیکار		
۳۰	۱	۱۱	۱	۵	۱۲	تعداد	آزارگر
۱۰۰٪	۳/۳٪	۳۶/۳٪	۳/۳٪	۱۶/۱۷٪	۴۰٪	درصد سطری	
۳۰	۱۱	۲	۰	۱۷	۰	تعداد	غیر آزارگر
۱۰۰٪	۳۶/۷٪	۶/۷٪	۰٪	۵۶/۷٪	۰٪	درصد سطری	
۶۰	۱۲	۱۳	۱	۲۲	۱۲	تعداد	جمع
۱۰۰٪	۲۰٪	۲۱/۷٪	۱/۷٪	۳۶/۷٪	۲۰٪	درصد سطری	



جدول ۷- جدول توافقی (دو بعدی) مشکلات اقتصادی در دو گروه آزارگر و عادی

جمع	مشکلات اقتصادی				تعداد و درصد	گروه
	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم		
۳۰	۱۰	۷	۱۰	۳	تعداد	آزارگر
۰/۰۱۰۰	۰/۰۳۳/۳	۰/۰۲۳/۳	۰/۰۳۳/۳	۰/۱۰	درصد سطری	
۳۰	۱	۶	۱۵	۸	تعداد	غیر آزارگر
۰/۰۱۰۰	۰/۰۳/۳	۰/۰۲۰	۰/۰۵۰	۰/۰۲۶/۷	درصد سطری	
۶۰	۱۱	۱۳	۲۵	۱۱	تعداد	جمع
۰/۰۱۰۰	۰/۰۱۸/۳	۰/۰۲۱/۷	۰/۰۴۱/۷	۰/۰۱۸/۳	درصد سطری	

جدول ۸- اطلاعات مربوط به آزمون X^۲ وضعیت اقتصادی و اجتماعی دو گروه آزارگر و عادی

ردیف	فرضیه	X ^۲ (خی دو)	سطح معنی داری	رد یا قبول فرضیه
۱	بین در آمد تخمینی والدین آزارگر و عادی رابطه وجود دارد.	۱۱/۷۱۸	۰/۰۵	قبول
۲	بین پایه تحصیلات والدین آزارگر و عادی رابطه وجود دارد	۳۳/۲۴۸	۰/۰۵	قبول
۳	بین وضعیت شغلی والدین آزارگر و عادی رابطه وجود دارد.	۳۴/۱۱۰	۰/۰۵	قبول
۴	بین مشکلات اقتصادی والدین آزارگر و عادی رابطه وجود دارد.	۱۰/۷۱۳	۰/۰۵	قبول

بحث و نتیجه گیری :

در این پژوهش با توجه به مسئله و اهداف شش فرضیه تعیین شد .

در مورد فرضیه اول یافته های پژوهش نشان می دهد که بین والدین کودک آزار و عادی از لحاظ صفات روانزندی تفاوت معناداری وجود دارد و فرضیه اول تأیید می گردد . این نتایج با نتایج پژوهش (دنیل^۱، ۱۹۹۸) و (کمپ^۲، ۲۰۰۵) همسو است .

دنیل در پژوهش خود نشان داد والدین کودک آزار دارای خصوصیات چونی نگرانی ، افسردگی ، پرخاشگری ، تحمل پایین با ناکامی ، انزوا ، کمرویی و اضطراب می باشد . یافته های کمپ نشان داد افسردگی یکی از اختلالات شایعی است که با انواع آزار نسبت به کودکان مرتبط است (۱۷) (۱۵)

^۱ - Daniel
^۲ - Kempe



در مورد فرضیه دوم یافته های پژوهش نشان می دهد که بین والدین کودک آزار و عادی از لحاظ صفات برون گرایی تفاوت وجود ندارد. (لمون^۱، ۱۹۹۵) در پژوهش ویژگیهای شخصیتی مادران کودک آزاری که در کودکی از آنها سوء استفاده جنسی شده بود را بوسیله پرسشنامه NEO سنجید و نشان داد که از لحاظ صفات برون گرایی بین مادران کودک آزار و غیر کودک آزار تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته پژوهش حاضر همخوان نیست با توجه به نتیجه فوق، به دلیل تعداد کم افراد نمونه این نتیجه دور از انتظار نیست. (۱۳)

در مورد فرضیه سوم یافته های پژوهش نشان می دهد که بین والدین کودک آزار و عادی از لحاظ صفات انعطاف پذیری تفاوت وجود ندارد. این نتایج با نتایج پژوهش (لودویک و کرنبرگ، ۱۹۹۲) و (میلنر^۲ و دیگران، ۱۹۹۳) همسو نیست. که می تواند ناشی از انتزاعی بودن سوالات این عامل که در فرهنگ ایرانی سوالات این عامل قابل قبول نباشد. (۱۲)

در مورد فرضیه چهارم یافته های پژوهش نشان می دهد بین والدین کودک آزار و والدین غیر کودک آزار از لحاظ دلپذیر بودن تفاوت وجود دارد، این نتایج با یافته ها (میلنر و دیگران ۱۹۹۳) که نشان داد والدین کودک آزار نقص در توانایی برقراری همدلی دارند و (ویه^۳، ۲۰۰۳) که در پژوهشی نشان داد والدینی که کودکان خود را مورد آزار و اذیت قرار می دهند کمتر به دیگران توجه می کنند، گرمی و محبت کمتری را ابراز نموده و همدلی کمتر نشان می دهند، همسو می باشد. (۱۲) (۱۶)

در مورد فرضیه پنجم یافته های پژوهش نشان می دهد که بین والدین کودک آزار و غیر کودک آزار از لحاظ صفات با وجدان بودن تفاوت وجود ندارد. یافته های این پژوهش با یافته های (دنیل، ۱۹۹۸) و (مش و همکاران، ۱۹۸۳) که نشان دادند والدین کودک آزار از عزت نفس پایین تری برخوردارند (از مقیاس با وجدان بودن) همسو نیست. به نظر می رسد مشاهده عدم تفاوت به دلیل استفاده از فرم کوتاه پرسشنامه (NEO) به جای فرم بلند آن و تعداد کم نمونه پژوهش باشد.

^۱ -Lemon

^۲ -Milner

^۳ -Wiehe



در مورد فرضیه ششم، یافته های پژوهش نشان می دهد که بین والدین کودک آزار و عادی از لحاظ وضعیت اقتصادی - اجتماعی تفاوت وجود دارد. یافته های این پژوهش با یافته های (ایوانس^۱، ۲۰۰۴) همسو می باشد یافته های وی نشان داد کودکان متعلق به طبقه اقتصادی - اجتماعی پایین در مقایسه با کودکانی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند بیشتر در معرض خشونت قرار می گیرند. (۱۸)

پیشنهادها

- از آنجا که کودک آزاری با عوامل و متغیرهای فردی و اجتماعی و محیطی زیادی رابطه دارد از جمله اختلالات روانی، فقدان مهارت های کافی به عنوان والد، عدم رضایت از زندگی و یا حاملگی پی در پی و ناخواسته، پرجمعیت بودن خانواده ها، فشارهای سیاسی، بیکاری و تورم و ... پیشنهاد می شود سایر متغیرها علاوه بر متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گیرند.
- نمونه بزرگتری از جامعه آماری پژوهش، مورد بررسی قرار می گیرند.
- با توجه به جدید بودن و کانون توجه بودن نظریه شخصیتی پنج عاملی پیشنهاد می شود در انجام پژوهش های بعدی به بررسی رابطه این عوامل با اختلالات و ناسازگاری ها در والدین کودک آزار پرداخته شود.
- به دلیل اهمیت بعد فرهنگی، این گونه پژوهش ها بهتر است در نقاط مختلف کشور ما که از فرهنگ های متنوع برخوردار است انجام شود.

منابع:

- ۱- جهانگردی، یدالله، (۱۳۵۳) « نحوه رفتار والدین با فرزندان » انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- استوار، آنتونی، (۱۳۷۳) « نسل کشی و انگیزه ویرانگری در انسان » (مترجم: پروین بلورچی)، ۱۹۹۱، نشر روایت، تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۱
- ۳- آقا بیگلویی، عباس، رسول زاده طباطبایی، (۱۳۸۰) « کودک آزاری » نشر آوند دانش.
- ۴- مدنی قهفرخی، سعید، (۱۳۸۳) « کودک آزاری در ایران » انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



۵- یاریگر روش ، محمد (۱۳۷۸) « تنبیه و کودک آزاری » نشر دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران ،

۶- همشهری ، ۲۱ آبان ۱۳۸۳ ، ش ۳۱۸۹ .

۷- همشهری به نقل از ایسنا (۲۶ فروردین ۱۳۸۲ ، ش ۳۰۳۳)

۸- برود هرست ، رایان ، ری ، (۱۳۸۰) « نقش مربیان مدارس در پیشگیری و درمان کودک آزاری و غفلت از کودکان » ، مترجم : شهرام محمد خانی ، نشر ورای دانش .

۹- سازاسون ، باربارا آر (۱۳۷۸) « روانشناسی مرضی (جلد دوم) » ، مترجم : بهمن نجاریان ، محمد علی اصغری مقدم و محسن حقانی ، نشر رشد .

۱۰- کیامهر ، جواد ، (۱۳۸۱) ، هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی NEO-FFI و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه گیلان . پایان نامه کارشناسی ارشد .

- 11- Mach, E.J. Jan ston, (1983). A Comparison of the mother child intractious of physically abused and non-abused children during play ardor situations. Journal of clinical child psychology (12).
- 12- Milner, J.S.(1993). Social information processing and physical child abuse. Clinical psychology review (13).
- 13- Lemon, N, Jaffe, P .and Gabley, A. (1995). Domestic violence and child. INE.
- 14- Kaufman, J, and Ziegler , E.(1987) abused children become abusive parents .American Journal of orthopsychiatry (957), 186-198
- 15- Kempe, Henry. And chief, John (2005). Child Abuse. University of Colorado the international Journal.
- 16- Wiehe , V.R(2003).Empathy and narcissism in a sample of child abuse parents and a comparison sample of foster parents. 541-55-English.
- 17- Daniel,G.(1998) child abuse . University of Michigan, school of social work.
- 18- Evans,G,W.(2004) The environment of childhood poverty, American psychologist (59) 77-92.